

واکاوی عوامل محیطی تأثیرگذار بر تمایزات درون شیعی

اردشیر عسکری^۱، علی محمدحقیقی^{۲*}، امین روانبد^۳

چکیده

نقش جمهوری اسلامی ایران در شکل‌دهی به جریانات شیعه و پتانسیل الگوبرداری از ایران اسلامی برای جماعات شیعه در سایر کشورها، بسیار حائز اهمیت است و از طرفی بهترین راهکار برای نظام جمهوری اسلامی ایران در راستای وحدت‌بخشی، ایجاد نوعی الگو از ارزش‌ها و سیاست‌های خود برای شیعیان این کشورها می‌باشد. پس از وقوع انقلاب اسلامی ایران، شیعیان در سراسر جهان به این نظر نزدیک شدند که با وحدت می‌توانند در جوامع خود مؤثر بوده و حقوق خود را بازیابند. در همین راستا از آن زمان تاکنون در بسیاری از کشورها شیعیان برای بهبود وضعیت خود اقدام به شکل دادن سازمان‌ها و گروه‌های مختلف نمودند، اما موانع زیادی در پیش روی آنها قرار گرفته است. این موانع از دولتمردان وابسته به غرب این کشورها آغاز می‌شود و تا گفتمان‌های درون شیعی امتداد می‌یابد. در واقع شیعیان مخاطرات زیادی در پیش روی خود احساس کرده‌اند و در برخی مواقع سکوت و تقیه را بر فعالیت‌های مؤثر ترجیح داده‌اند. در این مقاله با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی در پی پاسخ به این سؤال می‌باشیم که چه عوامل محیطی بر تمایزات درون شیعی تأثیر گذار می‌باشند؟ به نظر می‌رسد؛ ارتباط قوی و مؤثر شیعیان سایر کشورها با جمهوری اسلامی ایران، می‌تواند وضعیت کنونی آنها را ارتقاء بخشد. بنابراین در این مقاله تلاش می‌شود؛ عوامل محیطی مؤثر بر واگرایی شیعیان بررسی شده و سپس نقش جمهوری اسلامی ایران برای بهبود این وضعیت مورد مذاقه قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: شیعیان، واگرایی، جمهوری اسلامی ایران، دیپلماسی عمومی، تمایزات درون شیعی.

۱. دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد لامرد، لامرد، ایران.

۲. استادیار رشته علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد لامرد، لامرد، ایران.

۳. استادیار رشته علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد لامرد، لامرد، ایران.

* نویسنده مسئول: am.haghighi@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۰۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۱۳

مقدمه

تشیع که از اوان پیدایش پدیده‌ای مذهبی، سیاسی بوده است تا دینی، توسط ایرانیان در سده‌ی نخست اسلامی پشتیبانی شد که با تکیه بر آن با دستگاه خلافت رویارویی کردند. در دوره صفوی هم با افزایش آن مردم را به پایداری در برابر عثمانی برانگیختند. تا این مقطع شیعه کارکرد تاریخی خوبی داشته است، اما از دوره قاجار مناسبات سیاسی و اجتماعی و اقتصادی جهان دگرگون شد و شیعه نیز کارکرد شایسته خود را از دست داد (محمدپور، ۱۳۸۴: ۲۵۵).

اما بعد از دهه هفتاد میلادی (۱۹۷۹م) و وقوع انقلاب اسلامی در ایران و جنگ داخلی در لبنان، شیعه را به عنوان یک عامل ژئوپلیتیک مطرح ساخت. کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای باید قدرت سیاسی و معنوی شیعیان را به عنوان واقعیت غیرقابل انکار منطقه غرب آسیا بپذیرند و در معادلات مهم بین‌المللی آن را لحاظ کنند. از طرف دیگر باید در نظر داشت که شیعه به عنوان یک مذهب، به هیچ وجه محلی و منطقه‌ای نیست و از یک اندیشه جهانی و عام گرا برخوردار است و زمینه‌های حضور آن در نقاط مختلف جهان وجود دارد. هرچند باید اذعان کرد که شیعیان در اغلب کشورهای اسلامی به جز جمهوری اسلامی ایران، در شرایط نامناسبی هستند اما مسلم است که در دهه‌های اخیر تحقق انقلاب اسلامی نقش تعیین‌کننده‌ای در بازیابی هویت شیعی در یک مقیاس جهانی و در میان کل مسلمانان ایفا کرده است (فولر، ۱۳۷۷: ۳۱۱). یکی از علت‌های اساسی مقابله دولتمردان این کشورها نیز با انقلاب اسلامی در همین موضوع است که شیوه انقلاب اسلامی الگو نشود.

در این مقاله تلاش می‌شود به بررسی تأثیر عوامل محیطی و راه‌های کاهش آن برای حداقل کردن واگرایی شیعیان پرداخته شود. هدف آن است که شیعیان کشورهای اسلامی را به یکدیگر و به ویژه به جمهوری اسلامی نزدیک کرده و نسبت به تحولات انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی حساس کنیم. در واقع واقعیات حاکی از آن است؛ شیعیان در کشورهای منطقه هضم در عوامل محیطی هستند (صرفاً نه فقط جغرافیایی بلکه محیط سیاسی، فرهنگی، مذهبی، جغرافیایی، آموزشی و...) اینکه چطور تأثیر عوامل محیطی را بدون آسیب زدن به وحدت اسلام در تمایزات کاهش داده و وحدت شیعه را افزایش دهیم، موضوع این مقاله می‌باشد.

چارچوب نظری

در سال‌های اخیر بحث و تحقیق پیرامون دیپلماسی عمومی به ویژه در ایالات متحده آمریکا تعمیق و توسعه یافته و پس از رخدادهای ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ مطالعات و عملیات دیپلماسی عمومی آمریکا بر جهان اسلام متمرکز شده است. این در حالی است که کشورهای اسلامی کمتر به این مقوله می‌پردازند و توجه اندکی در به کارگیری آن دارند. به باور نویسندگان منابع فرصت‌ساز قدرت نرم جمهوری اسلامی در چارچوب دو راهبرد آموزشی و رسانه‌ای در دیپلماسی عمومی به کارگرفته شده تمرکز بر شیعیان سایر کشورها می‌تواند دستاوردهایی مانند گسترش بیداری اسلامی و افزایش عمق راهبردی ایران را به دنبال بیاورد. در این بین ایران، با توجه به قدرت نرم خود، از جمله کشورهایی است که توانایی بالقوه زیادی در جذب و تأثیرگذاری بر مخاطبان جهانی خصوصاً شیعیان دارد. جمهوری اسلامی ایران از طریق دیپلماسی عمومی می‌تواند با کاهش واگرایی در میان شیعیان را به هم‌گرایی را به ارمغان بیاورد در این مقاله تلاش می‌شود، بر اساس مفهوم دیپلماسی عمومی به تحلیل موضوع مورد نظر پرداخته شود.

شیعیان با اکثریت مطلق در ایران، آذربایجان، بحرین، عراق

الف - جمهوری اسلامی ایران

در جمهوری اسلامی ایران طبق اصل ۱۲ قانون اساسی در کنار دین رسمی اسلام، ادیان قانونی کلمی، مسیحی، زرتشتی، از آزادی بهره‌مند هستند و هم چنین در کنار مذهب رسمی یعنی شیعه مذاهب اربعه اهل سنت (حنفی، مالکی، شافعی و حنبلی) و مذهب زیدیه که چهار امامی هستند، آزادند. اما برای دین و مذهب رسمی بعضی از مزایای اجتماعی مقرر گردیده است، چنان که برای تصدی بعضی از مسئولیت‌ها شرط مسلمان بودن یا شیعه بودن را لازم دانسته‌اند (صفار، ۱۳۸۳: ۱۶۴).

انقلاب ایران توانست به شیعیان منطقه خاورمیانه جسارت از دست رفته را بازگرداند و این امر باعث افزایش مقاومت شیعیان در برابر نظام‌های سیاسی و کاهش انزوای آن‌ها شد. البته نه تنها شیعیان خاورمیانه بلکه شیعیان کشورهای دیگر مناطق جهان نیز جسورانه هویت شیعی خود را اظهار داشتند، مراسم عبادی خود را به جا آوردند و نارضایتی خود را از حکومت موجود بیان کردند (جاودانی مقدم و نصوحیان، ۱۳۸۸: ۱۰۷).

اوج خودباوری و احساس تکلیف و تبعیت مردم از مرجعیت و رهبری را در انقلاب اسلامی می‌توان مشاهده کرد. پس از این نهضت‌ها وقوع انقلاب اسلامی به رهبری منحصر به فرد امام خمینی (ره) توانست به پیروزی دست یابد. با تشکیل حکومت دینی پس از انقلاب فضا برای مشارکت و فعالیت نخبگان شیعه در عرصه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی فراهم شد. از سویی ساختار حکومت به شکلی است که نخبگان پس از طی برخی از فرایندهای ویژه می‌توانند در دستگاه حکومت حضور پیدا کرده و در قانون‌گذاری، تدوین سیاست‌های عمومی و نظارت بر دستگاه‌ها نقش فعالی داشته باشند؛ از سویی نیز زمینه برای تشکیل برخی از نهادهای مدنی فراهم شده و نخبگان غیر حکومتی از طریق نفوذ در آن‌ها می‌توانند بر امور جاری کشور تأثیرگذار باشند.

در پایان باید گفت همان‌گونه که قبل از این نیز گفته شد؛ هر چند که شیعیان در تمام نهادها و ساختارهای حکومتی حضور فعال داشته و بر امور سیاسی و اقتصادی و فرهنگی کشور مسلط می‌باشند، اما از سویی شیعیان اکثریت جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند و از سوی دیگر جمهوری اسلامی ایران حقوق گروه‌های اهل تسنن و اقلیت را نیز به رسمیت شناخته است.

ب- جمهوری آذربایجان

هشتاد درصد آذربایجانی‌ها مسلمان شیعه، ۱۵ درصد سنی و پنج درصد بقیه مسیحی (غالباً ارتدکس)، یهودی و دیگر اقلیت‌های مذهبی هستند (رایزنی فرهنگی ایران در باکو، ۱۳۸۷) دین اصلی آذری‌ها اسلام است، ۷۵ درصد شیعه و ۲۵ درصد بقیه سنی مذهب و از شاخه حنفی هستند. درصد کمی از آن‌ها نیز به آیین‌های زرتشتی، مسیحی، و بهایی اعتقاد دارند (واحدی، ۱۳۸۶، ۳۰).

جایگاه نهاد مرجعیت تقلید در جمهوری آذربایجان متفاوت از مناطق دیگر بوده و توسعه‌چندانی نیافته و علت عدم آشنایی مردم با این نهاد در دوران شوروی (سابق) و همچنین فاصله داشتن از برادران ایمانی و قطع ارتباط با مجتهدان قم و نجف از سال ۱۹۲۰ به بعد بوده است (جباری، ۱۳۸۹: ۳۲۳).

از جمله چالش‌هایی که روحانیت و مراجع تقلید در آذربایجان با آن مواجه هستند، این است که حکومت اجازه تأسیس دفاتر مراجع تقلید را در این کشور نمی‌دهد و تلاش می‌کند تا مردم را به اداره روحانیون رسمی داخل و در غیر این صورت، متوجه حوزه‌های علمی خارج از ایران نماید (همان، ۳۲۴).

در مورد وضعیت نخبگان شیعه در آذربایجان باید گفت؛ وضعیت شیعیان اسلام‌گرا در دوره کمونیست‌ها و پیش از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، در حالت تقیّه کامل بود و هیچ‌گونه تحرک سیاسی - اجتماعی در آن مشاهده نمی‌شد و شیعیان به‌گونه‌ای خانه‌نشین شده بودند. علمای دینی و رهبران مذهبی به شدت سرکوب شده و هرگونه فعالیت سیاسی سرکوب می‌شد، تبلیغات ضد دینی در بالاترین حد خود انجام و نمادهای دینی، به خصوص تشیع محو می‌گردید. شیعیان اسلام‌گرای جمهوری آذربایجان معتقدند؛ فعالیت‌های سیاسی اسلام‌گرایانه آنها از انقلاب اسلامی ایران متأثر بوده است و با پیروزی انقلاب، آنها نیز با تأسی از بنیانگذار انقلاب اسلامی ایران تعلیمات دینی و معارف اسلامی را با تحرک خاصی انجام می‌دهند (جباری، ۱۳۸۹، ۱۵۳).

در مورد روابط این کشور با ایران باید گفت؛ مذهب شیعه عامل مهمی در پیوند دادن جمعیت ترک زبان جمهوری آذربایجان با ایرانیان فارسی زبان به شمار می‌رود. اما روابط دو کشور فراز و نشیب‌های بسیاری را پشت سر گذاشته است، اما در مجموع به سمت سردی بدبینی و بی‌اعتمادی سوق یافته است. تبلیغات غرب، به ویژه امریکا در مورد خطر اسلام سیاسی از ناحیه ایران، جمهوری آذربایجان را به واکنش در مقابل ایران برانگیخت و آن را در پی یافتن متحدان راهبردی به سمت امریکا اسرائیل و ترکیه سوق داد (چابکی، ۱۳۸۸: ۸۱).

با توجه به مطالب گفته شده؛ مهم‌ترین مسئله در شرایط کنونی تقویت روابط با محافل دانشگاهی، فرهنگی و اجتماعی جمهوری آذربایجان است و مراجع تقلید، روحانیت، حوزه‌های علمیه، و مسئولان فرهنگی مهم‌ترین وظیفه را به عهده دارند تا از طریق ارائه طرح‌های متعدد در جهت تعمیق باورهای مذهبی و پویایی فرهنگ و هویت تاریخی مردم مسلمان این کشور گام بردارند.

ج- بحرین

بحرین یکی از مهم‌ترین کشورهای منطقه خاورمیانه به شمار می‌آید که تقریباً ۷۰ درصد از جمعیت این کشور را شیعیان تشکیل می‌دهند. علی‌رغم وجود اکثریت شیعه در این کشور قدرت سیاسی و اقتصادی در اختیار اقلیت اهل تسنن است. در این کشور تبعیض‌های مختلفی نسبت به شیعیان اعمال می‌شود.

دولت بحرین در جهت افزایش فشار بر شیعیان، با نادیده گرفتن ایجاد اشتغال برای جوانان متخصص و تحصیل کرده بحرینی، متخصصان اردنی و مصری را جایگزین آنان می‌کند و برای ایجاد انگیزه جهت ورود این اتباع غیر بحرینی به این کشور، به واگذاری امکانات و حتی تابعیت به آنها اقدام می‌کند (اسدی، ۱۳۹۰: ۱). اغلب شهرنشینان بحرین از اهل سنت هستند. در حالی که، مردمان حاشیه‌نشین و روستایی این جزیره شیعه هستند و تعداد آنان در حدود بیش از نیمی از جمعیت ناهمگون بحرین تخمین زده می‌شوند.

از دیگر راه‌های سرکوب شیعیان، «حمایت از سنی‌ها در مقابل شیعیان» است. پیروزی انقلاب اسلامی ایران، که باعث خارج شدن شیعیان جهان از جمله شیعیان بحرین از انزوا شد، منجر به نگرانی اهل سنت به ویژه سران حکومت شد (عبادی نیک، ۱۳۸۹: ۲).

در این‌جا نیز همانند دیگر کشورهای منطقه، شیعیان تا رسیدن به وضعیت مطلوب، راهی طولانی در پیش دارند. بحرین، چه قبل و چه بعد از انقلاب ایران، کانون رستاخیز شیعی در کشورهای خلیج فارس بوده است. این امر به طور مستقیم از اوضاع جمعیتی و اجتماعی - اقتصادی جزیره ناشی می‌شود. در مقایسه با سنی‌هایی که از نظر سیاسی بر این کشور مسلط هستند، شیعیان از اکثریت برخوردار می‌باشند. و به همین دلیل، شیعیان اکثریت معترض را نیز تشکیل می‌دهند، به ویژه آن‌که نهادهای حاکمیت سیاسی در اختیار اقلیت سنی قرار دارد (متقی زاده، ۱۳۸۴: ۱۴۵).

وقایع بحرین نشان از این دارد که مرجعیت در بین مردم جایگاه بالایی دارد و توانسته است اعتماد مردم را به دست بیاورد و از این رو نقش اصلی و اولیه در قیام به عهده مرجعیت می‌باشد. علاوه بر مرجعیت نخبگان شیعه نیز در بحرین نقش فعالی به عهده دارند، البته این به معنای این نیست که نخبگان در ساختار حکومت قرار دارند، از آن‌جا که رژیم حاکم تبعیضات بسیاری علیه شیعیان این کشور اعمال می‌کند، نخبگان شیعه قادر به نفوذ در پست‌های حساس و کلیدی حکومت نمی‌باشند، و تنها از طریق تشکیل احزاب و گروه‌های انقلابی ابراز وجود می‌کنند.

شکاف فزاینده‌ی دولت و جامعه و سیاست‌های تبعیض‌آمیز خاندان آل خلیفه را می‌توان اصلی‌ترین عوامل بروز تحولات و اعتراضات سیاسی کنونی مردم بحرین محسوب کرد. با وجود مشارکت احزاب شیعی در انتخابات پارلمانی و کسب برخی کرسی‌ها، همواره این احساس در شیعیان بحرین وجود دارد که آنها از شرکت جدی و تأثیرگذار در ساختار قدرت محروم هستند و توزیع کرسی‌های پارلمانی در مناطق شیعی و سنی بحرین به گونه‌ای است که شیعیان در شرایط کنونی هیچ‌گاه نمی‌توانند بیش از ۱۸ کرسی از مجموع ۴۰ کرسی پارلمان و اکثریت را در این مجلس از آن خود کنند (اسدی، ۱۳۹۰: ۱).

د- عراق

گفته می‌شود؛ حدود ۶۰ درصد کل جمعیت عراق مذهب تشیع دارند که اکثریت قاطع جمعیت این کشور را شامل می‌شود. قدرت مرجعیت عراق در سال‌های اخیر را می‌توان بعد از سقوط صدام حسین در این کشور پیگیری کرد. در حال حاضر آیت الله سیستانی به عنوان یکی از پرنفوذترین رهبران دینی شناخته می‌شود (غلامی، ۱۳۸۶: ۱۸۵).

پافشاری مراجع عراق از جمله آیت الله سیستانی بر اجرایی شدن شیوه‌های دموکراتیک در زمینه‌های مختلف باعث دستیابی گروه‌های شیعیان به موقعیت‌های برتری شده است. پس از سرنگونی صدام، روند پان عربیسم هم در این کشور متوقف شده است. سرنگونی صدام حسین زمینه حضور شیعیان و خروج آنان از انزوا را فراهم ساخته است. از آن زمان، شیعیان در عرصه سیاسی - اجتماعی به شدت فعال شده‌اند.

مراجع با تعامل با تنوع قومی و مذهبی ساختار داخلی بدون مطرح کردن بحث شیعه یا سنی، مسئله‌ی اساسی برای امنیت در عراق و خروج نیروهای اشغالگر را حفظ وحدت و گفت و گو در میان تمام گروه‌های عراقی می‌دانند که اوج این وسعت دید را در تهاجم به حرم امامین عسکریین (علیهم السلام) و هم‌چنین حملات تروریستی گروهک داعش به عراق می‌توان دید که ایشان خواستار حفظ آرامش و وحدت هرچه بیشتر بین اقوام و مذاهب مختلف گردیدند.

مرجعیت نقش عمده‌ای در دولت‌سازی بعد از سرنگونی صدام ایفا کرده است و در حال حاضر از جایگاه ویژه و تأثیرگذاری در روند تحولات جاری عراق برخوردار است. شیعیان در کلیه نهادهای سیاسی جدید التأسیس جایگاه مناسبی به خود اختصاص داده‌اند؛ به طوری که در هیچ کدام از نهادهای اساسی، بدون نظر شیعیان تصمیم‌سازی امکان‌پذیر نیست. شیعیان از امتیازات و امکاناتی هم برای تحقق اهداف و استراتژی‌های خویش برخوردارند که مهم‌ترین آن‌ها به شرح زیر است:

الف) کثرت جمعیت نتیجه مثبت آن در فرآیندهای سیاسی دموکراتیک؛ شیعیان بخش قابل ملاحظه‌ای از جمعیت عراق را تشکیل می‌دهند و از تأثیرگذاری بالایی در حوزه سیاست برخوردارند. آن‌ها قادرند در فرایندهای دموکراتیک که شمولیت و مقبولیت بالایی دارد، حوزه‌ی سیاست و سیاست‌ورزی را متأثر از نفوذ خود سازند؛ همان طوری که در انتخابات مختلف پارلمانی در نهایت انتخاب شخص قوه مجریه (نخست وزیر) شیعیان در رأس قرار گرفته‌اند (فلاح، ۱۳۹۱: ۱۹۸).

ب) فقه شیعه و تأثیرگذاری قدرت شیعه در عراق؛ منظور این است که فقه شیعه در خصوص حکومت‌داری و پیوستگی دین و سیاست و ارائه‌ی نظر در مسائل اولیه زندگی دستوراتی دارد و مسائل را با اقتضائات روز تطبیق می‌دهد و با تحولات به پیش می‌رود.

ج) سازمان‌دهی و انسجام نسبی حول روحانیت؛ برخی گروه‌های شیعه به صورت علنی یا غیرعلنی مسلح نیز هستند. د) فقدان رقیب جدی در صحنه عراق؛ در عراق، فقط کردها به اندازه شیعیان انسجام دارند که البته در بسیاری موارد با آنان اشتراک هدف هم دارند. در عین حال، اغلب حوزه منافع این دو گروه هم تا حدود زیادی مجزا و متفاوت است. جامعه اهل سنت نه از حیث جمعیت و نه از حیث منابع زیرزمینی و نظایر آن با شیعیان قابل قیاس نیستند.

شیعیان عراق، به عنوان متحدان طبیعی ایران شناخته می‌شوند و به نوعی همبستگی با ایران دارند و خواهند داشت. چنین اتحادی نه تنها به استحکام موقعیت شیعیان عراق کمک می‌کند، بلکه به تقویت موضع منطقه‌ای ایران هم کمک خواهد کرد. با توجه به همین هدف مشترک، احتمال رویگردانی اهل تشیع عراق از ایران یا احیاناً رقابت‌شان با ایران چندان قوی به نظر نمی‌رسد (قاسمی، ۱۳۸۹: ۱۸). با افزایش سرعت شهری شدن و آموزش‌های آکادمیک و افزایش سطح سوادآموزی، شیعیان نیز تحت تأثیر ایده‌ها و گروه‌های جدید قرار گرفتند. در واقع عراق با ظهور یک طبقه متوسط جدید در بین شیعیان روبرو بوده است که خواستار اثرگذاری بیشتر بر تحولات سیاسی این کشور هستند (دادفر، ۱۳۸۹: ۳۳).

شیعیان با اکثریت نسبی در یمن، عربستان، لبنان

الف - شیعیان یمن

شیعیان یمن عموماً زیدیه هستند و استان صعده بیشترین جمعیت شیعیان را در خود جای داده است. بعد از این استان، بیشترین جمعیت شیعیان در الجوف و صنعا ساکن هستند و استان‌های اب، ذمار، عمران، مارب، حجه، محویت و حدیده در رتبه‌های بعدی قرار دارند. شیعیان اسماعیلیه حدود ۵ درصد جمعیت شیعیان را تشکیل می‌دهند و عموماً پیرامون مرز یمن - عربستان و نیز صنعا ساکن هستند و شیعیان امامیه (۸ درصد جمعیت شیعیان) در منطقه مارب مرکزی ساکن و در امور فرهنگی مشغول‌اند و زیر نظر سازمان «رابطه الشیعه الجعفریه فی الیمن» فعالیت می‌کنند (فوزی، یحیی، ۱۳۹۱: ۳۴-۱۷).

پس از شروع بیداری اسلامی یمن نیز شاهد خروش ملت این کشور علیه دیکتاتوری علی عبدالله صالح بود. علی‌رغم زیدی بودن علی عبدالله صالح، رئیس جمهوری و شماری از مقامات بلندپایه دولت یمن، دولت این کشور هم اکنون تحت سلطه سنی‌ها بوده و رئیس جمهور و دیگر مقامات زیدی هم جز اسمی از شیعه بودن، هیچ علقه‌ای نسبت به این مذهب نداشته و به عنوان حاکمان سکولار به شدت با این مذهب مخالفت کرده و به دلایل سیاسی از گروه‌های سلفی به خصوص وهابیون حمایت می‌کنند (کاردان، ۱۳۹۰: ۱۵۷).

اسلام‌گرایی در چارچوب کشور یمن را می‌توان در پنج دسته مشخص تعریف کرد:

۱) اخوان المسلمین

۲) زیدی‌ها

۳) گروه‌های جهادی خشونت طلب

۴) سلفی‌ها

۵) صوفی‌ها (کاردان، ۱۳۹۰: ۱۷۱-۱۷۰).

در دوران جمهوری یمن، شیعیان سیاست منفعلانه‌ای در پیش گرفتند؛ نهادهای مذهبی زیدیه به صورت محافظه‌کارانه از عرصه‌ی سیاسی کنار رفتند و توده‌های زیدی جذب گروه‌های سیاسی سکولار یا سوسیالیست شدند و تشکل سیاسی - مذهبی مبتنی بر اندیشه مذهبی زیدی وجود نداشت و دولت نیز با ترویج سکولاریسم و برخی گروه‌های شیعه ستیز مانند وهابیت این انزوای شیعیان زیدی را تشدید کرد. برخی از رهبران زیدی نیز ضمن همکاری با رژیم صالح عملاً به جز تأیید کردن مواضع ضد زیدی حکومت اقدامی انجام ندادند. به عنوان نمونه، محمد ابن علی الشوکانی به عنوان عالم دینی زیدی که سال‌ها در مدارس وهابی‌ها تحصیل کرده بود، بعد از بازگشت به یمن در جایگاه رسمی خود در حکومت به عنوان مفتی و قاضی به زیدیان حمله کرد و حتی برخی از علمای آنها را نیز مورد آزار قرار داد. در کنار وی، شیخ عبدالله الأحمر که در نقش زعیم سیاسی شیعیان زیدی نیز به شمار می‌رود، از خویشاوندان علی عبدالله صالح و رئیس مجلس این کشور و شیخ الشیوخ قبایل یمن می‌باشد، اما ارتباط این فرد با وهابی‌های عربستان، خود عامل گسترش سلفی‌گری وهابی در یمن بوده است که این عوامل البته دوری شیعیان از وی و تمایل به تشکیل گروه‌های سیاسی - مذهبی جدید را فراهم کرده است که تبلور عمده آن در جنبش حوثی‌ها قرار داشته و دارد (نیکو، ۱۳۹۱: ۱۰۲-۱۰۱).

سران کشورهای عربی از رژیم آل سعود در نبرد علیه حوثی‌ها حمایت می‌کنند. در همین زمینه شورای همکاری خلیج فارس با صدور بیانیه‌ای، حمایت قاطعانه کشورهای عضو را از تجاوز ارتش عربستان به خاک یمن اعلام کرد (بی‌نام، ریشه‌های بحران در یمن: ۱۳۸۹: ۳۵). عربستان سعودی از سال ۱۹۸۰ تا کنون حدود ۴۰۰ مدرسه وهابی در مناطق سنی‌نشین یمن ایجاد کرده و سالانه یک میلیارد دلار هزینه برای گسترش مذهب وهابیت در یمن صرف می‌کند (هانی‌زاده، ۱۳۹۱: ۴۰).

ب- شیعیان عربستان

جمعیت شیعیان عربستان از نگاه فواد ابراهیم، نویسنده کتاب شیعیان عربستان سعودی، این‌گونه توصیف می‌شود: «شیعیان ساکن در شهرهای الحساء و قطیف عربستان جمعیت قابل توجهی دارند. وی با استناد به منابع مختلف، خاطرنشان می‌سازد که از جمعیت ۱۹ میلیونی عربستان سعودی، حدود یک میلیون نفر شیعه (اثنی عشری، زیدی و اسماعیلی) هستند (ابراهیم، ۱۳۸۹: ۱۵). از این میان، حدود ۱۵ درصد از جمعیت شیعه‌نشین عربستان دوازده امامی هستند.

گروه‌ها و حرکت‌های سیاسی به دلیل وجود حاکمیت آل سعود در عربستان نتوانسته‌اند به صورت منسجم شکل بگیرند با اگر هم شکل گرفته‌اند به خاطر عدم وجود رهبری و سازماندهی به حاشیه رانده شده‌اند (یوسفی، ۱۳۸۶: ۱۸۳). بنابراین یکی دیگر از روش‌هایی که شیعیان تلاش داشتند هویت جمعی خود را حفظ نمایند و آن را در جامعه عربستان به رسمیت بشناسانند، انجام حرکت‌های مبارزه‌جویانه بوده است. مسلماً در این راه با موانعی روبه رو شده‌اند که این موانع اساسی:

۱. فرقه‌گرایی وهابی‌ها؛

۲. اقتدارگرایی سعودی‌ها؛

پس از سال ۲۰۰۳، شیعیان عربستان سعودی از موقعیت بهتری برخوردار شدند. دسترسی ارزان و آسان به ابزارهای اطلاع‌رسانی و نیز سیل انتقاد جهانی از شیوه مملکت‌داری سعودی‌ها، شیعیان را کمک نمود تا مطالبات خود را با عزم و گستردگی بیشتری اعلام دارند. البته شیعیان در این موقعیت هم بر وفاداری خود به حکومت سعودی تأکید داشته و بر عهد خود به رعایت قواعد بازی وفادار ماندند. در سال ۲۰۰۴ و در اوج اعمال فشار جهانی علیه سعودی‌ها، ۴۵۰ تن از نخبگان و افراد سرشناس شیعه طی نامه‌ای به ملک عبدالله، تجید میثاق و بیعت کردند (ابراهیم، ۱۳۸۸: ۲۱۶). در پرتو این تعامل دو جانبه، شیعیان به تنوع فعالیت‌های خود افزودند، رفته رفته با صراحت و رسمیت بیشتری ابزار وجود کردند و همایش‌های متعددی در زمینه‌ی توسعه‌ی حقوق شیعیان برگزار گردید (ابراهیم، ۱۳۸۸: ۲۱۷). در نتیجه، شیعیان به عنوان گروهی معترض ولی مشروع و محق پذیرفته شدند و دولت نوپای ملک عبدالله گرفتارتر از آن بود که به کنترل و سرکوب آنان بپردازد، وهابی‌ها هم به خاطر پرورش افرادی چون بن لادن زیر فشار افکار عمومی و رسانه‌ها قرار داشتند.

ج- لبنان

درصد جمعیت مذاهب لبنان به شرح ذیل است: شیعه ۳۲ درصد، مارونی ۲۴ درصد، سنی ۲۱ درصد، دروزی ۷ درصد، سایر مذاهب ۱۶ درصد (نادری، ۱۳۸۷: ۱). شیعیان در لبنان از گذشته‌های دور همواره به «تقیه» یا «نفرت پنهان» مقابل حاکمان ضدشیعی روی می‌آورند و بزرگترین دغدغه‌شان حفظ هویت و صیانت از اراضی‌شان بود. از سوی دیگر «تعامل فقیه با دولت مرکزی اشکال شرعی و فقهی نداشت و فقها می‌توانستند در دوران تقیه به تحصیل علم و برعهده گرفتن نقش‌های ارشادی و هدایت‌گرایانه یعنی نقش‌های تربیتی و غیرسیاسی روی بیاورند و نیز همواره در امور عبادی بر تکالیف شرعی تأکید کنند که التزام مردم به قوانین شرعی شیعه را تضمین می‌کرد؛ گرچه این اقدامات به عبادات فردی محدود می‌شد و تکالیف سیاسی را در بر نمی‌گرفت». علمای شیعی ایده و نظر داشتند اما جایی برای اجرایی کردن آن در لبنان نمی‌یافتند (اصغری، ۱۳۸۸).

یکی از مهم‌ترین شخصیت‌هایی که در شکل‌گیری هویت سیاسی شیعی نقش مؤثری ایفا کرده است، امام موسی صدر می‌باشد. وی در برقراری خلوص میان شیعیان و اشاعه فرهنگ هم‌زیستی با سایر فرق نقش به‌سزایی داشته است (آیزنلوئر، ۲۰۰۸).

عوامل اساسی پویایی و موفقیت حزب الله لبنان عبارت است از:

۱. وحدت و انسجام تشکیلاتی

۲. هوشمندی و صداقت رهبری

۳. حمایت‌های ایران از حزب الله لبنان (رنجبر، ۱۳۸۲).

از دیگر سازمان‌های ایدئولوژیک شکل گرفته در لبنان سازمان «امل» است. «امل» سازمانی است انقلابی که ایدئولوژی انقلابی اسلام را اساس فکر و عمل خود قرار داده و معیارهای خدایی و انسانی و اخلاقی را عملاً پیاده کرده است (بی‌نام، ایستادگی در صراط مستقیم: ۱۳۸۷).

امروز شیعیان در لبنان هم‌چون گذشته در تبعیض شدید مذهبی قرار ندارند و توانسته‌اند ارکان قدرت را فتح کنند و در نظام سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی لبنان بازیگر باشند. اگرچه راهیابی به قدرت سیاسی جزئی غیرقابل تردید در حیات اجتماعی شیعیان لبنان تلقی می‌شود، اما پیش زمینه‌ی آن زیستن و ارتباط نزدیک با مردم و اولویت دادن آن به نشست و برخاست با سیاستمداران و هم‌چنین خروج از طائفه‌گرایی به سوی گفت و گو با سایر ادیان و مذاهب است. ارتباط ارگانیک و مؤثر شیعیان لبنان با نهادها و شخصیت‌های شیعی ایران و عراق هم دیگر نیاز امروز آنان به حساب می‌آید.

در طی سالیان طولانی از حضور شیعیان در سه کشور یمن، عربستان و لبنان و تغییرات به وجود آمده در طول زمان، در حال حاضر این گروه از مسلمانان اکثریت نسبی را در این سه کشور دارا می‌باشند. شیعیان در هر سه کشور نسبت به سایر اقلیت‌ها این جوامع در محرومیت به سر می‌برند که این وضعیت ناشی از نحوه سیاست‌گذاری حاکمان این کشورهاست، به طوری که در کشوری مانند عربستان، تعمداً چنین وضعیتی به وجود آمده است. از طرفی در اکثر مواقع این شیعیان برای حفظ موجودیت خود

به تقیه اقدام نموده‌اند. جریان‌های سیاسی شکل گرفته در این کشورها نیز عموماً منزوی شده‌اند، به جز دو جریان حزب الله در لبنان و انصار الله در یمن.

شیعیان در اقلیت در سوریه، مصر، ترکیه، افغانستان و پاکستان (الف) سوریه

جمعیت سوریه از پیروان گوناگون از جمله اسلام، مسیحیت و تعداد کمی یهودی تشکیل می‌شود. بیش از ۸۶ درصد جمعیت این کشور را مسلمانان دارا هستند که در این میان، اهل سنت با بیشترین میزان جمعیت عنوان اکثریت مذهبی در این کشور را به خود اختصاص داده است. پس از این گروه علویان ۱۱ درصد، مسیحیان ۱۰ درصد و دروزیان ۳ درصد و اسماعیلیان ۱/۵ درصد کل سکنه این سرزمین را در بر می‌گیرند (اخوان کاظمی و ویسی (ب)، ۲۸۰: ۱۳۹۲) امروزه خاندان اسد که در رأس حاکمیت نظام سوریه قرار دارند، اقلیت علوی هستند در حالی که اکثریت مردم سوریه را سنی تشکیل می‌دهد. در طی سی سال گذشته سوریه روابط بسیار نزدیکی با ایران داشته و این روابط به همکاری‌های راهبردی در منطقه تبدیل شده است. گسترش روابط باعث تقویت هلال شیعی به رهبری ایران و همراهی عراق، سوریه، حزب الله لبنان و حماس فلسطین نیز گردیده است. تاریخ معاصر سوریه با نام خاندان اسد پیوند خورده است. حافظ اسد پس از ۳۰ سال حکومت بر سوریه، در ۱۰ ژوئن ۲۰۰۰ م فوت کرد و پس از وی بشار اسد در ۷ جولای همان سال با رای ۹۷/۲۹ درصد رای دهندگان سوری به مدت ۷ سال به ریاست جمهوری سوریه برگزیده شد. در ۲۷ می ۲۰۰۷ بشار برای دومین بار با رای ۹۷/۶ شرکت کنندگان و با مشارکت ۸۶/۹۵ درصد واجدین شرایط رأی در انتخابات، برای یک دوره هفت ساله دیگر رئیس جمهور سوریه گردید (پروین وقففوری بیلندی، ۴۴: ۱۳۹۱) هنگامی که بسیاری از تحلیل‌گران سیاسی مترصد گسترش آتش انقلاب در خاورمیانه به سوریه بودند، جرقه‌ی این آتش در اوایل بهار ۲۰۱۱ م. در دوره دوم ریاست جمهوری بشار اسد در شهر کوچکی واقع در جنوب سوریه زده شد (اخوان کاظمی و ویسی (الف)، ۳۵۶: ۱۳۹۱-۳۵۵).

مخالفان سوریه خاندان اسد را به دیکتاتوری، فاسد مالی و اداری، تقسیم مناصب دولتی میان خاندان اسد، سرکوب مخالفان، سیطره حزب بعث و نیروهای امنیتی بر مصادر امور کشور متهم می‌کنند؛ اما حامیان حکومت، سوریه را تنها با بحران دخالت نیروهای خارجی رو به رو می‌دانند (پروین و وقففوری بیلندی، ۵۸: ۱۳۹۱).

هرچند به قول بشار اسد و حامیان او دخالت کشورهای غربی به ویژه آمریکا و متحدان آن از جمله عربستان سعودی، در گسترش بحران سوریه نقش مهمی دارد؛ اما نمی‌توان از تأثیر عملکرد حزب بعث نیز غافل بود. سوریه به صورت تک حزبی اداره می‌شد و بعثی‌ها در آن حاکم بودند؛ حکومت در دست علویان بود و آنان سلطه گسترده‌ای بر بخش‌های گوناگون کشور داشتند؛ حاکمیت خصوصی کم‌رنگ شده بود؛ آموزش و پرورش به صورت دولتی اداره می‌شد و بنابراین رقابت تأثیرگذار ناشی از خصوصی‌سازی در سوریه دیده نمی‌شد.

در رابطه با تشدید بحران سوریه باید توجه داشت که بخش زیادی از معترضین مخالف حکومت بشار اسد از میان اکثریت اهل سنت هستند، اما مقدار قابل توجهی از اهل سنت نیز در طرف حکومت قرار دارند. اقلیت شیعه نیز وضع یک دستی ندارند، در حالی که اکثریت آنها از دولت حمایت می‌کنند اما بخشی از علوی‌ها در جبهه‌ی اپوزوسیون این کشور قرار دارند (لاری، ۱۹: ۱۳۹۱-۱۸).

مخالفان حکومت بشار اسد اسلام‌گرایان افراطی هستند که بعد از حوادث ۱۱ سپتامبر و حمله آمریکا به کشورهای خاورمیانه به دلیل مقاومت در برابر آمریکا از محبوبیت زیادی در این کشورها از جمله سوریه به دست آورده بودند (آجورلو، ۱۳۹۰: ۶۱-۶۰). مخالفان در قالب احزاب و گروه‌هایی تجلی یافتند مهم‌ترین نقاط اشتراک این گروه‌ها مخالفت آنها با علویان حاکم و حمایت کشورهای غربی و عربی از این گروه‌ها و احزاب جهت براندازی حکومت بشار اسد است. بهترین راهکار در دستان بشار اسد است او باید با تفکیک عوامل نفوذی دشمن از مردم معترض و آگاه‌سازی اجتماعی در کنار تحکیم مردم‌سالاری و اصلاحات اسلامی مردمی و تداوم مقاومت این موج را به خوشان بازگرداند.

ب) مصر

دین رسمی کشور مصر اسلام و بیشتر مردم، پیرو این دین هستند. عمده‌ی مسلمانان مصر شافعی مذهب‌اند که نزدیک‌ترین مذهب اهل سنت به شیعه دوازده امامی است. هرچند مصر کشوری سنی است، ولی گرایش‌های قوی شیعی دارد (حسینی و بهربر، ۳: ۱۳۸۹) سازمان‌های مختلفی در دوره‌های گوناگون تاریخ مصر به دنبال احیای قدرت شیعیان در این کشور بوده‌اند. یکی از مهمترین مؤسسات دانشگاه الازهر است (الفکی، ۴۳: ۱۳۸۶).

وقوع انقلاب اسلامی ایران، منجر به فعال شدن گروه‌های آزادی‌خواه و عدالت طلب در مصر شد که زمینه‌ی فکری آن‌ها تفکر شیعه بود. گروه «اخوان المسلمین» یکی از آن‌ها بود که در کشور مصر تحت تأثیر انقلاب اسلامی ایران پدید آمد. گروه‌های اسلامی بار دیگر فعال شدند و خالد اسلامبولی، از افسران برجسته و وابسته به یکی از این گروه‌ها، انورسادات رییس جمهور مصر و امضاکننده پیمان ننگین کمپ دیوید با رژیم صهیونیستی را ترور کرد. احساس خطر شدید دولت مصر از شیعیان مصری متأثر از انقلاب ایران تا جایی پیش رفت که یک‌باره دستور توقف همه فعالیت‌های جمعیت تقرب بین مذاهب و جمعیت آل البیت از جانب دولت صادر شد. این دستور، فشارهای امنیتی شدیدی بر شیعیان وارد آورد و در نهایت موجب تعطیلی فعالیت‌های نهادهای شیعی از جمله جمعیت آل البیت شد (حسینی و بهربر، ۱۲: ۱۳۸۹).

با سقوط نظام مبارک در مصر در سال ۲۰۱۱ م وضعیت شیعیان بدتر از گذشته شد. شیعیان مصر که از انقلابیون به حساب می‌آیند و در براندازی حکومت دیکتاتوری مبارک نقش فعال داشتند، نتوانستند از ثمرات انقلاب بهره ببرند. مهم‌ترین مشکل در جامعه شیعیان مصر تفرقه است. باید توجه داشت هنگامی که فشار از طرف نظام باشد، موجب اتحاد میان شیعیان می‌شود؛ اما وقتی این فشارها از بین برود، می‌توان گفت که این اتحاد تاحدی کمتر شده و آنان از همدیگر دور و متزلزل می‌شوند.

مهم‌ترین دلیل موفقیت اخوانی‌ها و سلفی‌ها در مصر برای به دست گرفتن قدرت و تشکیل حکومت محمد مرسی در سال ۲۰۱۲ با حمایت این دو گروه، را می‌توان انسجام و هماهنگی بالای آنان دانست (بی نام، ۱۰: ۱۳۹۱). کیفیت نامطلوب شبکه‌های ماهواره‌ای شیعه مزید بر علت است. شیعیان در مصر شبکه‌های زیادی دارند اما به لحاظ کیفیت کار، شبکه‌های وهابی موفق‌تر بوده‌اند.

مرسی در سال ۲۰۱۳ بر اثر کودتای ارتش از حکومت عزل شد، دولتی که اکنون در مصر در حال شکل‌گیری است باید به مسئله اقلیت شیعیان و چگونگی تعامل با آنان توجه خاصی داشته باشد. شاید مصر حساس‌ترین و سرنوشت‌سازترین منطقه‌ای باشد که آینده فعالیت‌های شیعی در گرو آن است. این کشور به دلایل زیادی در شاهراه ارتباطات جهان اسلام قرار دارد و کانون صادرات فکری - نظری جهان اسلام است.

ج) ترکیه

در میان اهل سنت که اکثریت مذهبی ترکیه را تشکیل می‌دهند، شیعیان (به ویژه دوگروه علوی و جعفری) به خاطر ساختار اجتماعی و مراسم مذهبی‌شان و نیز تفاوت‌هایشان با اهل سنت، در خط مقدم اقلیت‌های مذهبی ترکیه به چشم می‌خورند (یلر، ۵۸: ۱۳۹۱).

در حال حاضر شیعیان جعفری در ترکیه از منظر نفوذ در حکومت و مشارکت در دولت‌های جمهوری ترکیه و به ویژه نفوذ در حزب عدالت و توسعه، تقریباً حضور بارز و برجسته‌ای ندارند و به عنوان اقلیتی مطرح هستند که احزاب مقتدر با وعده‌های گوناگون در صدد جمع‌آوری آرای انتخابی‌شان هستند. حزب عدالت و توسعه در راستای جذب آرای شیعیان ترکیه طی برنامه‌های متفاوت، به ویژه از طریق سازمان امور دیانت جمهوری ترکیه، قصد دارد روحانیون شیعه در ترکیه را جذب و به استخدام درآورد. اصلاحات مد نظر دولت اردوغان نیز اگرچه در راستای کسب امتیازاتی از گروه‌های لائیک، به نفع گروه‌های اسلامی معتدل اهل تسنن است، اما در خصوص اصلاحات و به ویژه نظام ریاستی، نگرش‌های متفاوتی بین اسلام‌گرایان و حتی اختلاف نظرهایی در درون حزب عدالت و توسعه وجود دارد. اقلیت شیعیان جعفری ترکیه، همانند علویان، علی‌رغم قول‌ها و شعارهای عدیده دولت‌های دوره جمهوری‌ت، اعم از راست‌گرا، چپ‌گرا و اسلام‌گرا، تا کنون به مطالبات اجتماعی و مذهبی خود دست نیافته‌اند و نسبت به تحقق درخواست‌هایشان نیز زیاد امیدوار نیستند (مرجانی‌نژاد، ۱۳۹۲).

با توجه به نگاه و هواداری علویان از پایه‌های مهم نظام جمهوری سکولار ترکیه، در مورد مهم‌ترین نگرانی علویان ترکیه از اصلاحات دولت اردوغان در رابطه با قانون اساسی و نظام ریاستی باید گفت اگرچه وانمود می‌شود که علویان طرفدار نظام سکولار هستند، اما خواست واقعی توده‌های علوی، عدم تجدید حاکمیت استبداد عقیدتی و اجتماعی از سوی وارثان سنی مذهب عثمانی است. یعنی مهم‌ترین نگرانی جامعه علوی استمرار دخالت اعتقادات سنی مذهب حاکم بر ترکیه، آن هم تحت عنوان اسلام در امور حکومت و جامعه‌شان است (بی‌نام (الف)، ۲۵: ۱۳۹۲).

علویان به عنوان پرجمعیت‌ترین اقلیت مذهبی ترکیه، مسلماً در آینده ترکیه، جایگاه و نقش بارز و مهمی ایفا خواهند کرد. عوامل تأثیرگذار در جایگاه و نقش آنان عبارتند از: ۱) تبیین و اعلام مواضع عقیدتی؛ ۲) انسجام تشکیلاتی نوین و واحد در داخل و خارج از ترکیه ۳) ادغام، ایجاد هماهنگی و همکاری بین مراکز، مؤسسات و انجمن‌های علوی؛ ۴) رهایی از یوغ منافعی احزاب چپ‌گرا و گروه‌های سکولار؛ ۵) نفوذ و حضور فعالانه فرهیختگان و نخبه‌های علوی در عرصه‌های مختلف جامعه ترکیه؛ ۶) طرح مطالبه لحاظ، درج مذهب علوی به عنوان یکی از مذاهب رسمی قانون اساسی ترکیه (بی‌نام (الف)، ۲۵: ۱۳۹۲).

اگر بخواهیم به عوامل مؤثر در آینده نقش و جایگاه شیعیان جعفری در ترکیه نگاه کنیم، باید گفت عوامل زیر در این زمینه نقش دارند: ۱) تقلیل سطح اختلافات جناحی؛ ۲) ادغام تشکیلاتی به صورت شورایی؛ ۳) گزینش سیستم رهبری و متابعت عملی؛ ۴) ارتقاء سطح علمی و فرهنگی (دانشگاهی و حوزوی) و کسب جایگاه و نفوذ علمی و فرهنگی؛ ۵) ارتقاء سطح نفوذ در نهادهای کلیدی جامعه و کسب جایگاه و نفوذ اجتماعی؛ ۶) ارتقاء سطح مودت، همکاری و هماهنگی با طیف‌های جامعه علوی ترکیه؛ ۷) ارتقاء سطح مودت، همکاری و هماهنگی با سازمان‌های مردم‌نهاد شیعه جعفری در سراسر جهان (مرجانی‌نژاد، ۱۳۹۲).

د) افغانستان

افغانستان با داشتن ۱۹ درصد شیعه از جمعیت ۳۳ میلیون نفری که اکثریت نیز از نظر زبانی با ایران مشترکند و به زبان فارسی سخن می‌گویند، یکی از کشورهای مهم همسایه ایران است (فوزی و پایاب، ۳۳: ۱۳۹۱). مهم‌ترین مشکل جامعه شیعیان در این مقطع زمانی در کشور افغانستان، وجود گروه طالبان بود. شیعیان از همان ابتدای شکل‌گیری جنبش رادیکال طالبان، حملات اصلی این گروه را متوجه خود می‌دانستند. پس از آنکه نیروهای طالبان، بدون محاکمه و با شرارت تمام رهبر شیعیان، عبدالعلی مزاری را شهید کردند، شیعیان خود را آماده نبرد خونین با طالبان ضد تشیع کردند (نظری، ۱۱۷: ۱۳۸۵).

واقعه‌ی حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ نقطه عطفی در جامعه‌ی شیعیان افغانستان بود. طی این حادثه، آمریکا (برقدرت جهانی) از حمایت طالبان دست برداشت و طی یک فرآیند یک ساله به حذف این گروه از صحنه سیاسی افغانستان مبادرت ورزید. پس از سقوط حکومت طالبان و روی کار آمدن حکومت دولت موقت به ریاست آقای کرزای و باز شدن فضای فعالیت‌های سیاسی در کشور، نیروهای فکری - فرهنگی شیعه نیز مانند دیگر گروه‌ها امکان فعالیت پیدا کردند؛ به طوری که این حضور هم‌اکنون در ساختار سیاسی - اجتماعی افغانستان به ویژه در پست‌های مهم وزارت، معاونت و کادرهای مدیریت دولتی بسیار پررنگ شده است. بهبود وضعیت شیعیان افغانستان در قانون اساسی مصوب بهمن ۱۳۸۲ هجری. ش قابل مشاهده است که این اقدام، گامی بزرگ در جهت نیل به مدنیت و احترام به حقوق اقلیت‌ها بود.

یکی از مطالبات اساسی احزاب و گروه‌های شیعی در افغانستان این بوده است که عدالت اجتماعی و سیاسی نسبت به تمام مردم از جمله اقلیت محروم شیعه در نظر گرفته شود. بخشی از جنگ‌های داخلی در دهه‌های پیش هم در نتیجه نپذیرفتن این خواسته‌ی شیعیان رخ داد (الماسی و شفایی، ۶۵: ۱۳۸۶).

امروزه شیعیان در افغانستان در چارچوب نظام سیاسی فعالیت می‌کنند و از استقرار دموکراسی در این کشور حمایت می‌کنند. این در حالی است که در تاریخ گذشته‌ی این کشور تشیع و فرهنگ شیعی به سختی می‌توانست هویت خود را حفظ کند؛ علمای دینی زحمات بسیار ارزشمندی را در جهت حفظ تشیع تحمل کرده‌اند، اما صرفاً از طریق برپایی مراسم و مجالس دینی و غیررسمی و غیرسیاسی و گاه مخفی و پنهانی. بنابراین شیعه مجال چندان برای تأثیرگذاری بر نهادهای سیاسی نداشت. اما اکنون فضای جدیدی در این کشور به وجود آمده که پیروان مذهب تشیع در کنار اهل تسنن از هویت ملی، مذهبی، حقوقی،

سیاسی و شهروندی مشخصی برخوردار هستند و افغانستان به عنوان خانه مشترک بین تشیع و تسنن تلقی می‌شود. در سال‌های اخیر کاندیدهای شیعیان توانسته‌اند، در انتخابات پارلمانی و ریاست جمهوری با نامزدهای دیگر مذاهب رقابت کنند. همچنین موقعیت شیعیان افغانستان در مجامع جهانی تثبیت شده است.

هـ- پاکستان

شیعیان پاکستان ۲۱ درصد جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهند. این میزان با توجه به جمعیت کل کشور، بیش از ۳۵ میلیون نفر را شامل می‌شود. از نظر جغرافیایی، شیعیان تقریباً در سراسر پاکستان پراکنده‌اند (فوزی و پایاب، ۳۴: ۱۳۹۱) شیعیان پاکستان به دلایل مختلف دارای اهمیت هستند. یکی از دلایل اهمیت آنها تعداد جمعیت و پای‌بندی آنان به شیعه‌گری است (رشیدی و شاه قلعه، ۹۶: ۱۳۹۱).

نظام سیاسی و دولت پاکستان یک نظام باز است که تعصبات مذهبی کمتر در آن اعمال می‌شود. شیعیان گرچه در میان اکثریت سنی، اقلیت به شمار می‌روند؛ اما از نظر سیاسی از موقعیت خوبی برخوردار بوده‌اند (اکرم عارفی، ۲۰۷: ۱۳۸۲). وقوع انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹ م و تحولات بعد از آن، تأثیر شگرفی بر موجودیت سیاسی شیعیان پاکستان گذاشت. حلقه زدن شیعیان پاکستان به دور جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک نظام الهام‌بخش و تأثیرگذار در منطقه، قدرت آنان را دو چندان کرد. یکی از علمای پاکستان در این زمینه اظهار داشت که "انقلاب ایران چندین سال شیعیان پاکستان را جلوتر برد (مصلی‌نژاد، ۱۶۳: ۱۳۹۱).

پس از انقلاب ایران، فعالیت سازمان یافته شیعیان در قالب نهضت اجرای فقه جعفری، به حضور مستقل و آشکار این حزب در انتخابات سال ۱۹۸۸ م انجامید و از آن زمان به بعد شیعیان همواره در مجالس ایالتی، ملی و سنا حضور چشمگیر داشته‌اند و در امر تصمیم‌گیری مشارکت کرده‌اند (کامران و دیگران، ۸۲: ۱۳۹۲).

امروزه شیعیان کشور پاکستان برای نفوذ در ساختار قدرت با مشکلات متعددی رو به رو هستند که از جمله آنها می‌توان عدم انسجام و اتحاد را نام برد. عدم یکپارچگی در جامعه شیعیان به اختلاف خطبا و علما در این کشور بر می‌گردد. مشکل دیگر شیعیان پاکستان برای سهمی شدن در قدرت، حضور جریان‌های افراطی و معاند هم‌چون سپاه صحابه است که اقدام به کشتار شیعیان این کشور (به ویژه بمب‌گذاری در مساجد شیعیان) می‌کنند (مشهدی فراهانی، ۲۹: ۱۳۹۲-۲۸).

به ندرت در تاریخ سیاسی این کشورها دیده شده که شیعیان توانسته باشند قدرت را در دست بگیرند و همیشه ملیت بر مذهب در این کشورها غلبه دارد. شاید یکی از مهم‌ترین دلایل این است که جامعه شیعیان در اقلیت بوده‌اند. مسئله‌ی بعدی در این زمینه؛ انشعابات گوناگون درون تشیع است این مسئله زمانی اهمیت پیدا می‌کند که این فرقه‌ها در جهت‌گیری‌های سیاسی‌شان با هم متفاوت باشند که باعث شود اتحاد و انسجام آنها با مشکل مواجه شود.

دلیل دیگری که در ارتباط با نقش سیاسی جامعه شیعیان در کشورهای فوق‌الذکر مطرح می‌شود، جهت‌گیری‌های حزب حاکم است. هرچند در این کشورها شیعیان همیشه از منظر کمیت در اقلیت بوده‌اند، اما در مقاطعی مشاهده می‌شود که به دلیل جهت‌گیری‌های حزب حاکم، آنها توانسته‌اند در ساختار سیاسی جامعه نفوذ کنند. اما زمانی که منافع حزب حاکم در تضاد با جامعه شیعیان باشد، فشار بر این گروه‌ها افزایش می‌یابد و نه تنها راه برای نفوذ بیشتر شیعیان در ساختار حکومت بسته خواهد شد؛ بلکه بسیاری از سمت‌ها و پست‌هایی که تا آن زمان توسط شیعیان اداره می‌شد از آنها پس گرفته می‌شود و در نهایت فشار بر جامعه شیعیان تشدید می‌شود. متغیر دیگر که بر نقش سیاسی شیعیان مؤثر بوده است، وجود گروه‌های تندروی اسلامی (سلفی‌ها) هستند.

بنابراین با توجه به مباحثی که بیان شد راه‌های متعددی برای کاهش تمایزات درون شیعی و نفوذ شیعیان در اقلیت در ساختار قدرت در کشورهای مانند پاکستان و مصر و... وجود دارد. اولین راهکار جلوگیری از انشعابات متعدد درون فرقه تشیع است. دومین راهکار را می‌توان در تعامل بهتر و مناسب‌تر این گروه از شیعیان با هیأت حاکمه دانست تا اینکه بتوانند از فشاری که از جانب حکومت بر آنها وارد می‌شود بکاهند و در دراز مدت با کسب اعتماد آنها، خود را جذب در ساختار قدرت کنند. سومین راهکار تقویت قدرت شیعیان این کشورها از طریق احزاب و سازمان‌هایی منسجم برای مقابله با گروه‌های تندروی اسلامی و سلفی‌ها به

عنوان دشمنان داخلی و قدرت‌های غربی از جمله امریکا به عنوان دشمنان خارجی است که این دو گروه در صف اول دشمنان شیعیان نه فقط در کشورهای مورد بحث بلکه در همه جهان هستند.

الگوی ایران شیعی و حرکت از واگرایی به سوی همگرایی

شیعیان کشورهای مورد بحث نیز خود به الگو بودن نظام ایران در منطقه اذعان دارند. سوریه یکی از کشورهای بود تاثیر زیادی از انقلاب ایران و نظام آن گرفت و به دلیل قدرت علویان در این کشور، این تأثیرپذیری حتی در سیاست‌های حزب بعث نیز دیده می‌شود. تأثیرپذیری شیعیان کشور مصر در شکل فعال شدن گروه‌های آزادی‌خواه و عدالت‌طلب ظاهر شد که زمینه فکری این گروه‌ها، تفکر شیعه بود و تحت تأثیر انقلاب ایران عمل می‌کردند. در افغانستان نیز تحت تأثیر انقلاب اسلامی ایران و نظام این کشور، گروه‌های فعال شیعی که از نظر عقیدتی و سیاسی با نظام جمهوری اسلامی همسو بودند شکل گرفته و به فعالیت پرداختند. همچنین انقلاب ایران تأثیر شگرفی بر موجودیت سیاسی شیعیان پاکستان نیز گذاشت و باعث تشکیلاتی شدن شیعیان این کشور شد. شیعیان پاکستان به جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک منبع الهام‌بخش و تأثیرگذار در منطقه می‌نگرند که توانسته است بر اساس تعالیم تشیع، خود را از بند استعمار خارج کند. انقلاب اسلامی ایران تحول بنیادین در جامعه شیعه در ترکیه بر جای گذاشت و باعث شد که اقلیت شیعه مورد توجه دولت قرار گیرند. شیعیان ترکیه نیز مانند دیگر کشورها با تأثیرپذیری از نظام ایران به خودباوری رسیدند و تلاش خود را برای دستیابی به جایگاه مناسب در ساختار قدرت در ترکیه بیشتر کردند.

در طول چند دهه‌ای که عمر نظام جمهوری اسلامی ایران می‌گذرد، این کشور همواره الگویی برای شیعیان تمام جهان بوده است. همچنین نظام جمهوری اسلامی ایران یکی از عوامل مهم و تأثیرگذار در پیشبرد روند بیداری اسلامی در کشورهایی مانند مصر بوده است و می‌توان رد پای نظام جمهوری اسلامی را می‌توان در هریک از این خیزش‌ها پی گرفت. برای روشن شدن موضوع باید به ظرفیت‌های انقلاب اسلامی ایران در راستای الگودهی به انقلاب‌های اخیر در این کشورها اشاره کرد:

(۱) اولین شاخص گفتمان دین محوری است. تأکید انقلابیون کشورهایی نظیر مصر که حاکمان آنان در طول چند دهه‌ای اخیر به تبعیت از سکولاریسم غربی راه دین‌زدایی را در پیش گرفته بودند بر احیای مظاهر اسلامی؛ چون حجاب نشان می‌دهد که اسلام‌گرایی و دین‌محوری یکی از عمده‌ترین عوامل خیزش آنها بوده است که این یکی از مهم‌ترین مبانی در نظام جمهوری اسلامی ایران است.

(۲) گفتمان عدالت محوری: این گفتمان با توجه به ظرفیت‌های انقلاب اسلامی می‌تواند به نوعی محور سیاست جنبش‌های اخیر در خاورمیانه از جمله در مصر گردد.

(۳) آموزه‌های انقلاب اسلامی: به واقع، آموزه‌ها و اندیشه‌های انقلاب اسلامی که مبتنی بر عدالت اجتماعی، مردم‌سالاری دینی و استقلال و آزادی است، که توانسته به تلفیقی از جمهوریت و اسلامیت دست یابد.

(۴) گفتمان مقاومت: انقلاب اسلامی مردم ایران با رمزگشایی از سه موضوع مهم، یعنی هویت، بیداری و دین‌مداری توانسته به تبیین و تثبیت گفتمان قدرت منطق در اعماق دل‌ها و باورها کمک رساند، که چنین گفتمانی در طول سه دهه اخیر، الهام‌بخش بسیاری از خیزش‌های مردمی بوده است؛ چرا که جنبش‌های رهایی‌بخش اسلامی در مصر، پاکستان، و ترکیه با چنین گفتمانی احیا شدند.

(۵) تجربه انقلابی: غرب در این بازه زمانی ردپای آشکار گفتمان انقلاب اسلامی را در لایه‌های خیزش‌ها و قیام‌های مردمی رصد می‌کرد و تجربه‌ی انقلابی دیگر با مختصات انقلاب اسلامی ایران حادثه‌ای هولناک برای آنان بود.

(۶) تقویت اندیشه خاورمیانه اسلامی: روند تحولات خاورمیانه حکایت از شکل‌گیری خاورمیانه اسلامی با اندیشه و ایده‌ی اسلامی و ملهم از انقلاب اسلامی ایران است. به واقع، برآیند مدل خاورمیانه اسلامی افزایش نرخ نفوذ ایران و کاهش نفوذ آمریکاست.

در نهایت باید توجه داشت که جمهوری اسلامی ایران اگرچه از حیث قدرت سخت‌افزاری در جایگاه پایین‌تری نسبت به آمریکا قرار دارد، اما شواهد عینی نشان می‌دهد که موقعیت معنوی و فرهنگی و به اصطلاح قدرت نرم ایران در منطقه رو به

فزونی نهاده و در حال تبدیل شدن به یک قطب فرهنگی موثر در منطقه است. ایران زمینه‌ها و شرایط لازم برای کسب قدرت معنوی و ارتقای ناب محبوبیت خود در میان کشورهای منطقه را فراهم ساخته است. البته هرچند خاورمیانه وضعیتی سیال و بی‌ثبات دارد و هنوز شکل منسجمی به خود نگرفته است، اما تحولات جدید سیاسی - امنیتی در خاورمیانه (قیام‌ها و خیزش‌های مردمی)، ساخت قدرت و سیاست در منطقه را به نفع ایران تغییر داده و همین امر، آثار و عواقب منفی‌ای بر منافع استراتژیک آمریکا در منطقه، متحدان منطقه‌ای آن در جهان عرب و موقعیت رژیم صهیونیستی داشته است. تنها نکته‌ای که باقی خواهد ماند؛ ارائه راهکارهایی به نظام جمهوری اسلامی ایران برای بهره‌گیری از این پتانسیل‌ها است که در بخش نتیجه‌گیری و راهکار بیان خواهد شد.

نتیجه

بهترین راهکار برای نظام جمهوری اسلامی ایران در راستای وحدت‌بخشی، ایجاد نوعی الگو از ارزش‌ها و سیاست‌های خود برای شیعیان این کشورها می‌باشد. نکته قابل توجه در ارتباط با این مسئله، توان و ابزار بهره‌گیری ایران از ظرفیت‌های فوق است. بهترین ابزار، استفاده‌ی ایران از قدرت نرم‌افزاری و ابزار دیپلماسی عمومی در ارتباط با شیعیان این کشورها است. ایران برای نفوذ در کشورهای منطقه از حیث قدرت سخت‌افزاری نسبت به رقبایی مانند آمریکا در جایگاه پایین‌تری قرار دارد و بالعکس موقعیت معنوی و فرهنگی و به اصطلاح قدرت نرم ایران در منطقه رو به فزونی نهاده و در حال تبدیل شدن به یک قطب فرهنگی مؤثر است.

نظام جمهوری اسلامی ایران می‌تواند در دیپلماسی رسمی خود (در این نوع دیپلماسی، مخاطب دولت‌ها هستند) به حمایت از دولت‌هایی بپردازد که شیعیان در ساختار سیاسی آن جایگاه ویژه دارند. مانند حکومت بشار اسد که علویان در رأس ساختار حکومت هستند.

یکی از اتفاقات مهم در جهان، جریان شیعه‌هراسی است که توسط غرب ترویج می‌شود و از طریق به خشونت کشاندن جریان‌های شیعی درصدد نشان دادن تصویر خشن از این جریانات هستند، به همین خاطر یکی از راهکارهای اصلی برای برون‌رفت از این روند، ارائه‌ی تصویری مثبت بیش از پیش توسط جریان‌های شیعی در کشورهای مسلمان و جلوگیری از رفتارهای افراطی و خشونت طلب بر افتراق خود از جریان‌های خشونت طلب جایگاه خود را بهبود بخشند.

از دیگر نکات در رابطه با بهبود وضعیت شیعیان بایستی گفت که شیعیان باید در هر کجا که هستند از وضعیتی که دارند خارج شوند، اگر عقب‌ماندگی وجود دارد اصلاح نمایند، به عنوان مثال اگر بی‌سوادی وجود دارد مدرسه تأسیس کنند، اگر بی‌کاری مشاهده می‌شود آن را برطرف کنند و تبادل فرهنگی با سایر جوامع شیعه داشته باشند. تبادل فرهنگی و دانشگاهی می‌تواند در بالا بردن سطح شیعیان مؤثر باشد.

از طرفی دیگر عوامل داخلی فراوانی در کشورهای این شیعیان سبب شده است که شیعیان آنطور که باید نتوانستند هم‌گرایی پیدا کنند که به تفصیل بیان شد. به عبارت دیگر شیعیان در داخل کشورهای مذکور ابتدا بایستی به اجماعی در زمینه‌ها و روش‌های تقویت خود برسند و سپس با شیعیان سایر کشورها تبادل فکری و سیاسی برقرار کنند. از جمله راهکارها برای تقویت روندهای درون شیعی این کشورها خصوصاً در مقابل حکومت‌هایی که به سرکوب شیعیان می‌پردازند، بایستی نقاط ضعف داخلی را برطرف نمایند که عبارتند از:

- ۱) نبود رهبری فعال.
- ۲) سیاسی نبودن جوامع شیعی؛ به معنای دغدغه‌مند نبودن برای راهیابی به مقامات سیاسی خصوصاً در کشورهایی که شیعیان در اقلیت هستند.
- ۳) فقدان دورنمای تشکیل سازمان سیاسی در میان نخبگان سیاسی.
- ۴) وجود اندیشه سکولاریسم در میان برخی جوامع شیعی؛ به این معنا که مطالبه حق می‌کنند، اما با پذیرش سیستم حکومتی سکولار.
- ۵) حضور فعال وهابیت برای تخریب جریان‌های تشیع.

منابع

۱. آجورلو، حسین (۱۳۹۰)، تحولات سوریه؛ ریشه‌ها و چشم اندازه‌ها، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال هجدهم، شماره سوم.
۲. آرکلو، ویکتوریا (۱۳۹۰)، زازارهایک فاکتور جدید قومی و سیاسی در منطقه، ترجمه‌ی پیمان متین، فصلنامه فرهنگ مردم، شماره ۳۸.
۳. آقایی، سید داوود (۱۳۶۸)، سیاست و حکومت در عربستان سعودی، تهران: مؤسسه‌ی خدمات فرهنگی انقلاب، نشر کتاب سیاسی.
۴. آیزنلوئر، روشنگ شاعری نقدی بر کتاب لبنان شیعه: دین فراملی و هویت بخشی، (۲۰۰۸)، انتشارات دانشگاه کلمبیا.
۵. اخوان کاظمی، مسعودویسی، سارا (۱۳۹۱)، علویان سوریه از شکل‌گیری تا قدرت‌یابی، فصلنامه شیعه‌شناسی، شماره ۳۸.
۶. اخوان کاظمی، مسعود ویسی، سارا (۱۳۹۱)، نگاهی گذرا بر قدرت‌یابی علویان سوریه، ماهنامه اخبار شیعیان، شماره ۸۵.
۷. اخوان کاظمی، مسعودویسی، سارا (الف) (۱۳۹۲)، علویان سوریه از شکل‌گیری تا قدرت‌یابی ۲، ماهنامه درس‌هایی از مکتب اسلام، شماره ۶۸۸.
۸. اخوان کاظمی، مسعودویسی، سارا (ب) (۱۳۹۲)، علویان سوریه از شکل‌گیری تا قدرت‌یابی ۳، ماهنامه درس‌هایی از مکتب اسلام، شماره ۶۸۹.
۹. اکرم عارفی، محمد (۱۳۸۲)، شیعیان پاکستان، فصلنامه شیعه‌شناسی، شماره ۴.
۱۰. الفکی، مصطفی (۱۳۸۶)، مصر سنی ولی متمایل به شیعه، ترجمه سید احمد زکی حسینی، ماهنامه آفاق مهر، شماره ۲۲.
۱۱. الماسی، نجادعلی وشفایی، عبدالله (۱۳۸۶)، مبانی احوال شخصیه شیعیان افغانستان (ماده ۱۳۱ قانوناساسی)، فصلنامه شیعه‌شناسی سال پنجم، شماره ۱۹.
۱۲. ابراهیم، فؤاد (۱۳۸۹)، شیعیان در جهان عرب مدرن، مترجم رضا سیمبر، تهران، دانشگاه امام صادق، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
۱۳. احیاء حسینی، غلام (۱۳۸۳)، تشیع در افغانستان، پژوهشنامه حکمت و فلسفه اسلامی، شماره ۹.
۱۴. بی‌نام (۱۳۸۹) ریشه‌های بحران در یمن، مروری بر پروژه شیعه‌ستیزی عربستان در جنگ یمن، پیام انقلاب، شماره ۳۷.
۱۵. بی‌نام (۱۳۹۱)، تشیع و شیعه‌گری؛ هویت اصلی مردم مصر، ماهنامه اخبار شیعیان، شماره ۸۳.
۱۶. بی‌نام (الف) (۱۳۹۲)، شکاف علوی - سنی در ترکیه و نارضایتی علویان از رویکرد اردوغان، ماهنامه اخبار شیعیان، شماره ۹۳.
۱۷. پروین، خیرالله و فقفوریبلندی، محمدصادق (۱۳۹۱)، اجرای حق تعیین سرنوشت توسط ملت‌ها؛ مطالعه موردی سوریه، فصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی، سال اول، شماره دوم.
۱۸. جاودانی مقدم، مهدی؛ نصحیان، محمدمهدی (۱۳۸۸)، نقش انقلاب اسلامی ایران در هویت‌یابی جمعی شیعیان در خاورمیانه، فصلنامه رهیافت انقلاب اسلامی، ش ۹، تابستان.
۱۹. جباری، ولی، (۱۳۸۹)، شیعیان جمهوری آذربایجان، قم، انتشارات شیعه‌شناسی.
۲۰. چابکی، ام البنین (۱۳۸۸)، چالش‌های روابط ایران و جمهوری آذربایجان فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی، شماره ۴، تابستان و پاییز.
۲۱. حسینی، سیده مطهره و بهربر، سروش (۱۳۸۹)، آیین تشیع در مصر و دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال یازدهم، شماره ۴۴.
۲۲. دادفر، سجاد (۱۳۸۹)، تحول و دگرذیسی در نمای جامعه شناختی شیعیان عراق در قرن بیستم (علل / پیامدها)، مجله شیعه‌شناسی، شماره ۳۲، زمستان.
۲۳. رشیدی، احمدشاه قلعه، صفی الله (۱۳۹۱)، مبانی فکری ضدیت طالبانیسم پاکستان با شیعیان، نشریه مطالعات سیاسی جهان اسلام، شماره ۲.
۲۴. رنجبر، مقصود (۱۳۸۲)، حزب الله لبنان تصویری دیگر از انقلاب اسلامی، مجله پگاه حوزه، شماره ۱۲۱.

۲۵. صفار، محمدجواد (۱۳۸۳)، آشنایی با قانون اساسی ایران، تهران: مؤسسه آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی، چ ۱۹.
۲۶. عبادی نیک، فاطمه (۱۳۸۹)، نگاهی به وضعیت شیعیان در بحرین، نشریه الکترونیکی شیعه‌پژوهی، سال دوم، شماره هشتم، پاییز.
۲۷. غلامی قمی، مصطفی (۱۳۸۶)، نقش شیعیان و رهبران مذهبی در تحولات سیاسی و اجتماعی عراق در سده اخیر، مجله شیعه‌شناسی، شماره ۱۷، بهار.
۲۸. فلاح، رحمت الله (الف) (۱۳۹۱)، اسلام‌گرایی در جمهوری آذربایجان؛ ماهیت و چشم اندازها، مجله پانزده خرداد، شماره ۳۲، تابستان.
۲۹. فلاح، رحمت الله (ب) (۱۳۹۱)، برآورد سیاسی شیعیان عراق، مجله پانزده خرداد، شماره ۳۴، زمستان.
۳۰. فوزی، یحیی (۱۳۹۱)، «علل شکل‌گیری و ماهیت جنبش‌های سیاسی در خاورمیانه؛ بررسی موردی جنبش سیاسی در یمن، مطالعات سیاسی جهان اسلام، خرداد.
۳۱. فوزی، یحیی و پایاب، بهروز (۱۳۹۱)، تأثیر ژئوپلیتیک بر الگوی سیاسی مورد حمایت شیعیان در کشورهای مختلف، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، شماره ۳۰.
۳۲. فولر، گراهام (۱۳۷۷)، قبله عالم، ژئوپلیتیک ایران، ترجمه: عباس مخبر، (چاپ دوم)؛ تهران، مرکز نشر.
۳۳. قاسمی، فرج الله (۱۳۸۸)، مرجعیت و سیاست در عراق پس از اشغال، مجله علوم سیاسی، دانشگاه باقرالعلوم (ع)، سال دوازدهم، شماره چهل و پنجم، بهار.
۳۴. کاردان، عباس (۱۳۹۰)، قیام انقلابی در یمن، زمینه‌ها و موانع داخلی و خارجی، فصلنامه علمی تخصصی عملیات روانی، سال هشتم، شماره ۲۹، تابستان.
۳۵. کامران، حسن ومتقی، افشین و میراحمدی، فاطمه سادات و غلامی، بهادر (۱۳۹۲)، تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر شیعیان پاکستان، فصلنامه جغرافیا، شماره ۳۷.
۳۶. لاری، سیدرحیم (۱۳۹۱)، طوایف و پیروان مذهب در کدام سو ایستاده‌اند؟ (نقش طوایف و مذاهب در تحولات ۱۸ ماهه سوریه)، ماهنامه بیداری اسلامی، شماره ۲.
۳۷. متقی زاده، زینب (۱۳۸۴)، جغرافیای سیاسی شیعیان منطقه خلیج فارس، قم: شیعه‌شناسی.
۳۸. محمدپور، علی (۱۳۸۴)، ژئوپلیتیک شیعه در خاورمیانه پس از حمله آمریکا به عراق، مجموعه مقالات دومین کنگره انجمن ژئوپلیتیک ایران، ویژه‌نامه مجله علمی - پژوهشی ژئوپلیتیک، زمستان.
۳۹. مسئله شیعه در عربستان سعودی، مترجم: محسن یوسفی، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران، تهران، ۱۳۸۶، ص ۱۶۸.
۴۰. مشهدی فراهانی، محمدحسین (۱۳۹۲)، کشتار شیعیان حاصل اتحاد ضد شیعی در پاکستان، ماهنامه پیام انقلاب، شماره ۷۲.
۴۱. مصلی‌نژاد، عباس (۱۳۹۱)، هویت‌یابی شیعیان و ژئوپلیتیک نوین خاورمیانه، فصلنامه بین‌المللی ژئوپلیتیک، شماره ۲۵.
۴۲. موسوی‌نژاد، سیدعلی و علی یزدانی (۱۳۸۹)، پیدایش و تطور دولت زیدیه در یمن، فصلنامه تاریخ اسلام، سال یازدهم، شماره سوم و چهارم.
۴۳. نادری، احمد و سمیرمی (۱۳۸۷)، «لبنان (کتابسبز)»، تهران: وزارت خارجه.
۴۴. نظری، عبداللطیف (۱۳۸۵)، مقاومت شیعیان افغانستان در برابر طالبان در چارچوب تحلیل گفتمان، فصلنامه شیعه‌شناسی، شماره ۱۴.
۴۵. نیکو، حمید (۱۳۹۱)، بیداری اسلامی و چشم‌انداز اسلام‌گرایی در یمن، مجله پانزده خرداد، دوره سوم، سال دهم، شماره ۳۳، پاییز.
۴۶. نیکو، حمید (۱۳۹۱)، ماهیت‌شناسی جنبش سیاسی شیعیان بحرین، مجله پانزده خرداد، ش ۳۲، تابستان.
۴۷. واحدی، الیاس (۱۳۸۶)، هویت‌قومیدر آذربایجان، تهران: ابرار معاصر.

۴۸. هانی‌زاده، حسن (۱۳۹۱)، بیداری در یمن تکمیل نشده است، مجله بیداری اسلامی، سال اول شماره پنجم.
۴۹. یلر، عبدالقادر (۱۳۹۱)، تشیع در ترکیه، ترجمه مهدی جمالی‌فر، فصلنامه مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی، شماره ۲۷.
- پایگاه‌های اینترنتی:**
۵۰. اسدی، علی اکبر (۳۱ خرداد ۱۳۹۰)، تحولات بحرین: ریشه‌ها و بازیگران، قابل دستیابی در
51. <http://www.isrjournals.ir/fa/essay/205-essay-farsi-57.html>
۵۲. بی‌نام (۱۳۸۷)، تشیع در ترکیه، قابل دستیابی در سایت اهل البیت
53. www.ahl-ul-bayt.org
۵۴. مرجانی‌نژاد، احمد (۱۳۹۲)، جایگاه و روابط شیعیان جعفری در ترکیه، قابل دستیابی در سایت اسلام تایمز.
- <http://www.islamtimes.org/vdcbf5bffrhba9p.uiur.html>